

مباحث خارج اصول فقہ

استاد معظم

حضرت آیت اللہ حسینے گرگانے مؤظله العالی

«اجتماع امر و نہی»

شماره: ۷

تقديم امور

مقدمه هشتم: انه لا يكاد يكون من باب الاجتماع. الا اذا كان في كل واحد من متعلقى الايجاب والتحریم مناط حكمه مطلقاً حتى في مورد التصادق والاجتماع. كي يحكم على الجواز بكونه فعلاً محكوماً بالحكمين، وعلى الامتناع بكونه محكوماً بأقوى المناطين، أو بحكم آخر غير الحكمين فيما لم يكن هناك أحدهما أقوى.

وأما اذا لم يكن للمتعلقين مناط كذلك فلا يكون من هذا الباب ولا يكون مورد الاجتماع محكوماً الاً بحكم واحد منهما اذا كان له مناطه أو حكم آخر غيرهما فيما لم يكن لواحد منهما، قيل بالجواز والامتناع، هذا بحسب مقام الثبوت.

غرض از طرح این مقدمه بیان فرق میان مسئله اجتماع امر و نهی و باب تعارض است.

مرحوم آقای آخوند رحمته الله **می فرماید:** از باب اجتماع نیست مگر زمانی که در هر یک از متعلق امر و نهی مناط فعلی باشد مطلقاً حتی در مورد تصادق، یعنی محل اجتماع می بایست از قبیل متزاحمین باشد، اما اگر از باب متعارضین باشد نمی تواند در بحث اجتماع امر و نهی داخل شود.

به بیان دیگر: مسئله اجتماع امر و نهی صغرای بحث تزاحم است.

در باب تزاحم، گاهی از اوقات دو حکم متمائل متعلق امر هستند مثل **انقذ الغریق** و دو نفر که دارای نفس محترمه هستند در حال غرق شدن می باشند، ولی چون مکلف قادر به جمع بین دو **انقاذ** نیست، تزاحم پیدا می شود و در باب تزاحم، قاعده کلی **تقديم اهم** و یا **محتمل الاهمیه** می گوید: **اهم** را مقدم بدار، و در غیر این صورت تخییر جریان دارد.

اما تعارض در مقام تشریح و جعل حکم است، اگر هر دو دلیل مساوی بودند قاعده سقوط جاری می‌شود، و اگر یکی از آن دو اظهریت داشته باشد مقدم می‌شود.

در باب تزاحم چه هر دو حکم متمائل باشند و یا غیر متمائل، ملاک و مناط باید در هر دو طرف موجود باشد، اما مکلف نمی‌تواند هر دو را جمع کند مثل **انقاذ** دو غریق.

در باب تزاحم بین امر و نهی در شیء واحد هم همین طور است، امر دارای مصلحت صد درجه و نهی هم دارای مفسده صد درجه است. مصلحت ملزمه، امر به ایجاد می‌کند و نهی که دارای صد درجه مفسده لازم است طالب ترک و اجتناب می‌باشد.

اما در باب تعارض بیش از یک ملاک وجود ندارد، و برای مکلف روشن نیست که آن ملاک در کدام است. یعنی یکی از آن دو به صورت غیر معین دارای ملاک است و دیگری نیز به صورت غیر معین دارای ملاک نیست، لذا علم اجمالی دارد که یکی از آن دو خطاب، کذب است و از شارع مقدس صادر نمی‌شود، مثل **اکرم العلماء و لا تکرم الفساق**، نسبت بین این دو، عموم و خصوص من وجه است. در مورد عالم فاسق تعارض دارند، دلیلش این است که علم داریم به وجود یک ملاک، ولی نمی‌دانیم کدام است. آیا وجوب اکرام ملاک دارد یا حرمت اکرام ملاک دارد؟ لذا تعارض درمی‌گیرد.

خلاصه کلام مرحوم آقای آخوند رحمته الله علیه: متزاحمین می‌توانند مثال برای اجتماع امر و نهی باشند ولی متعارضین نمی‌توانند در بحث اجتماع امر و نهی داخل شوند. اگر امر و نهی که به شیء واحد تعلق گرفته‌اند، باید هر دو حکم دارای ملاک باشند مطلقاً حتی در مورد تصادق مثل صلاة در دار غصبی که هم صلاة باید دارای مصلحت ملزمه باشد و هم غصب باید دارای مفسده ملزمه لازم باشد. در این صورت کسی که قائل به جواز اجتماع امر و نهی است می‌گوید مانعی ندارد که هم وجود و هم حرمت در این صلاة جمع شود، ولی قائل به امتناع اجتماع امر و نهی می‌گوید: اینجا نمی‌تواند دو حکم وجود داشته باشد، بلکه هر کدام از آن دو از حیثی اقوی از دیگری بود، همان مقدم می‌شود و حکم هم تابع ملاک است.